



په اروپا کی دافغان پناهندگانو د ټولنو فدراسیون فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

فرهنگ معافیت جانی پرور و دشمن حقوق بشر است

به مناسبت روز جهانی حقوق بشر ۲۰۱۵

روز جهانی حقوق بشر باشندگان کره زمین را وادار به ارزیابی پیرامون شان و سر زمین آبابی شان از لحاظ رعایت حقوق بشرمیسازد. کشور ما افغانستان از سیاه روز ۷ ثور ۱۳۵۷ و ۶ جدی ۱۳۵۸ بدینسو به میدان بی مانع نقض بی پروای حقوق بشر از جانب ارگانهای دولتی و احزاب دست پرورده کشور های خارجی مبدل شده است. بحران حقوق بشر در افغانستان ۳۷ سال عمر دارد. ولی تبارز آن در دورهای مختلف متفاوت است. حفیظ الله امین میخواست امحا و مجبور ساختن مردم ما به فرار از کشور را تا زمانی ادامه بدهد که دومیلیون "انقلابی" از آن برجا بماند. تیغ آدمکشی خونین ببرک کارمل و آقایان روسی اش از قیام سوم حوت ۱۳۵۸ الی عزل کارمل و تقرر نجیب توسط گرباجف، بلا وقفه از مردم ما قربانی گرفت. نجیب الله هر نقشی را که روسها به او میدادند با مؤفقییت بازی میکرد. نخست در رول قاتل و شکنجه گر و قومانده دهنده دستگاه جهنمی خاد و سپس در نقش موعظه گر صلح در رسانه ها و نابود کننده قریه های ما با تشدید عملیات های تباہ کن نظامی بکمک روسها. کارمل و نجیب و حواریون شان مشترکاً مسؤولیت سیاسی محو فزیکتی و سلب آزادی صدها هزار مخالف سیاسی خویش و برپادی هزاران قریه را دارند. این رقم ده برابر بزرگتر از آن مخالفین دولت تحت رهبری "حزب دموکراتیک خلق" است که از تیغ تره کی امین گذشتند. میلیونها هموطن ما در همین دوره بر مهاجرین دوران تره کی امین افزوده شدند. برخی میرزا بنویسهای دست پرورده این جانیان میکوشند با چشم بندی سایرین، از سر جنایات دوره کارمل نجیب خیز بزنند. ولی شهود زنده جنایات آن دوره هنوز در هر قریه و شهر افغانستان منتظر روزی اند که پالیسی سازان و اجراً کنندگان قتل های سیاسی و شکنجه های سیستماتیک، بمباردهای بی پروای قریه جات و زندانی ساختن های بی جهت را بر چوکی متهم ببینند.

این انتظار را رویکار آمدن عمال بیگانگان دیگر در ۸ ثور ۱۳۷۱ طولانی ساخت. حکام جدید در سازش با بخشی از حکام کنار زده شده از قدرت، ثمره مقاومت ضد روسی مردم را به تاراج بردند. فرهنگ فاجعه بار معافیت از همینجا آغاز یافت. عفو عمومی جنایات رژیم قبلی در چوکات همین سازش توسط فردی اعلان شد که برگزیده عمال آ. اس. آ. ی بود، نه برگزیده مردم. سازش کنندگان و گروه های رقیب شان در جنگ بربرمنشانه بالای گنج قدرت، خون ده ها هزار فردملکی شهرکابل را ریختاندند. مصؤنیت فردی برای کسیکه تفنگچی تنظیمها نبود از بین رفت. هر تنظیم بدترین انواع شکنجه را بالای افرادی که قوم شان در تنظیم های رقیب اکثریت داشت، عملی میکردند. سردمداران این

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلین په درن بنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

دوره زمینه ساز بقدرت رسیدن گروه طالبان بودند. طالبان حقوق بشر را رسماً غیر اسلامی و مردود میدانستند، همه حقوق و آزادی های مردم را سلب کردند. طالبان سوق اجباری جوانان و نو جوانان به جبهات، قتل عام باشندگان یکاوانگ و نابودسازی تاکستانهای شمالی را برجبین خود دارند. متعاقب فاجعه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، ایالات متحده در اکتوبر همان سال دیکتاتوری طالبان را سقوط داده رهبران مظنون به جنایات جنگ تنظیمها و ملیشیا دوباره بقدرت رسانیده شدند. اینها فرمان عفو خود و تمام مظنونین ۱۳۵۷ الی ۲۰۰۱ را این بار از طریق به اصطلاح "پارلمان" که زیر سایه تفنگ ملیشیا های شخصی و قوماندانسالاری "انتخاب" شده بود، به تصویب رساندند. ولی نظرمندی مردم نسبت به عفو قبلاً در گزارش نظرخواهی "صدای مردم برای عدالت" انعکاس یافته بود. برنامه عدالت انتقالی و گزارش ۸۰۰ صفحه ای کمیسیون حقوق بشر توسط کرزی، غنی و پشتیبانان خارجی شان به طاق نسیان گذاشته شد. یک نظراجمالی به ترکیب تیمهای عبدالله و غنی که معجونی از مسئولین جنایات ۳۷ سال اخیراند، به ما می آموزد که تقاضای عدالت از آنها سودمند نیست. حکام کنونی از تأمین حاکمیت قانون بالای زورمندان و دفاع از مردم ملکی را ندارند. زورمندان محلی و گروه های مسلح مخالف به حقوق و آزادی های مردم با استفاده از تسلط فرهنگ معافیت در کشور، بیباکانه تجاوز میکنند. طالبان و داعش بصورت روزمره و قوای مسلح دولتی گاهگاه مرتکب نقض قوانین جنگ شده و از افراد ملکی قربانی میگیرند. عاملین سربریدنها و سنگسارها میتوانند در فضای معافیت به آرامی به جنایات خود ادامه بدهند.

تربیتونال ملل متحد برای افغانستان هم در وضع فعلی غیرمحمتمل بنظر میرسد. زیرا ایجاد آن در حیطه صلاحیت شورای امنیت است. بسیاری از اعضای دایمی شورای امنیت بحیث سپانسرهای ناقضین گوناگون حقوق بشر طی ۳۷ سال اخیر، حاضر نیستند نیروی ذخیره خود در افغانستان را، به عدالت بکشانند. کشور ما را خیانت و میهن فروشی گروه های مزدور چنان درگردد باد نفوذ نیروهای خارجی منطقوی و جهانی قرار داده که در آینده نزدیک امیدواری برای رویکار آمدن یک دولت قانونمند ملی و حسابگیر، عملی جلوه نمیکند. پس برای قربانیان جنایات ۳۷ سال اخیر و بازماندگان شان راهی جز بهم پیوستن و بلند تر ساختن فریاد عدالتخواهی و تأثیرگذاری بر افکار عامه دنیا و نیروهای عدالت پسند، باقی نمی ماند. محاکمه و محکومیت قوماندان زرداد حزب اسلامی در انگلستان و دو جنرال دوره کارمل نجیب در هالند و دستگیری اخیر یک نظامی امینی در هالند محصول همین عدالتخواهی های خستگی ناپذیر در داخل و خارج از کشور میباشد. مدافعین جانین، عدالتخواهی را حرکتی به نفع دشمن (؟) جا میزنند و قربانیان را دعوت به سکوت و انتظار تا تشکیل دولت ملی (؟) میکنند. اینها بناحق چنین فکر میکنند که بعد از چندسال دیگر، زمانیکه اکثر مظنونین بطور طبعی بمیرند، جاذبه عدالتخواهی کمتر خواهد شد. بهتر میباشد اگر این آقایان، "رفقا" و "برادران" مظنون به جنایات خود را تشویق میکردند که با اعتراف صادقانه به دست داشتن در ارتکاب جرایم جنگ و جرایم علیه بشریت که در دوران قدرت خویش مرتکب شده اند، با جرایم مذکور را برشانه های خویش اندکی سُبک ساخته و به پروسه حقیقتیابی نیز کمک کنند. اگر مظنونین جنایات ضدبشریت و میرزا های مدافع شان بخواهند یا نخواهند، جنبش عدالتخواهی امروز با قوت براف افاده و راه پر مشقت خود را با حوصله مندی و پایداری خواهد پیمود.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای رانندگان افغان در اروپا

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درن بنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی